

همدستی اسرائیل و تشکیلات خودگردان در کرانه‌ی غربی

رابرت نرایی



ترجمه‌ی کیانوش بوستانی



نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین

Photo via MEMO

تشکیلات خودگردان بزرگ‌ترین مانعی است که مبارزه‌ی علیه آپارتاید اسرائیل در کرانه‌ی غربی با آن روبروست. طی فرایند به‌اصطلاح صلحی که منجر به شکل‌گیری تشکیلات خودگردان شد، یعنی توافق صلح اسلو میان یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵، پروژه‌ی ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی به ابزاری جدید برای سرکوب فلسطینیان تبدیل شد.

بر اساس این توافق، عرفات و سازمان آزادی‌بخش فلسطین پذیرفتند که اسرائیل را به رسمیت بشناسند، امنیت آن را تضمین کنند و مبارزه‌ی مسلحانه برای آزادی فلسطین را که برای مدتی طولانی هویت این سازمان بود کنار بگذارند. در مقابل سازمان آزادی‌بخش فلسطین حق تأسیس یک دولت کوچک دوشقه‌شده در کنار اسرائیل را به دست آورد؛ راه‌حل به‌اصطلاح دو دولت.

منتقدان به‌سرعت این نکته را مطرح کردند که تشکیلات خودگردان نه فلسطینی است و نه اقتداری دارد؛ اسرائیل کنترل امنیت، تجارت و دیگر اموری را که مشخصاً کارکرد یک دولت است در کرانه‌ی باختری در اختیار خواهد داشت و بخش عمده‌ی بودجه‌ی این تشکیلات از کمک‌های غربی و دنیای عرب تأمین خواهد شد.

تشکیلات خودگردان کنترل امنیت و امور مدنی ۱۸ درصد از کرانه‌ی باختری (بخشی که ناحیه‌ی A نامیده شد) را در اختیار خواهد داشت. اسرائیل کنترل امنیت ۲۲ درصد دیگر این منطقه تحت نام ناحیه‌ی B را در اختیار خواهد داشت و تشکیلات خودگردان آموزش، بهداشت و اقتصاد آن را کنترل خواهد کرد. ۶۰ درصد باقی‌مانده‌ی کرانه‌ی غربی تحت کنترل اسرائیل باقی خواهد ماند.

عرفات و تشکیلات خودگردان این سازمان را دولتی انتقالی تا زمان فراهم شدن امکانی برای تأسیس دولت مستقل فلسطینی می‌دانستند، اما در واقعیت تشکیلات خودگردان تبدیل به ابزاری مؤثر در دستان دولت اسرائیل برای رسیدن به هدف استراتژیک این دولت برای کنترل سرزمین‌های اشغالی شد.

تشکیلات خودگردان به لطف کمک‌های آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا توانست یکی از بزرگ‌ترین نیروهای پلیس در جهان به نسبت جمعیت را برای سرکوب فلسطینیان به

نیابت از اسرائیل ایجاد کند. تشکیلات خودگردان سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار از آمریکا دریافت می‌کند که عمدتاً برای تأمین مالی ۸۳ هزار نیروی پلیس این سازمان هزینه می‌شود. از طریق این دولت پلیسی، تشکیلات خودگردان اقدام به نظارت نظام‌مند، زندانی‌کردن، شکنجه و ترور هدفمند هر نیرویی می‌کند که تهدیدی برای اسرائیل دانسته می‌شود.

در سال ۲۰۰۹، صائب عریقات، مذاکره‌کننده‌ی ارشد تشکیلات خودگردان به دیوید هیل نماینده‌ی آمریکا در خاورمیانه گفت: «ما مجبور بودیم برای ایجاد اقتدار واحد، نگه‌داشتن سلاح در دستان خودمان و حاکمیت قانون فلسطینیان را بکشیم. ما به اعمال اجبارهای مدنظر خود ادامه می‌دهیم. ما زمان و انرژی زیادی صرف کردیم و برای تأمین نظم و حاکمیت قانون مردم خود را کشتیم».

تشکیلات خودگردان شرایط را برای ایجاد لایه‌ی اندک‌شماری از سرمایه‌داران فلسطینی در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و جهان عرب فراهم کرد و با ایجاد انحصار دولتی، قراردادهای تأمین کالاهایی مثل سیمان، فولاد، بنزین، آرد و سیگار را در اختیار دارد. علاوه بر این مجوزهای اختصاصی واردات، صاحبان سرمایه‌ای که به تشکیلات خودگردان وابسته‌اند از معافیت‌های گمرکی، حق انحصاری بر توزیع کالاها در کرانه‌ی غربی و دریافت زمین‌های دولتی زیر قیمت برخوردارند. طبقه‌ی سرمایه‌دار فلسطینی نفع‌برنده‌ی اصلی کمک‌های خارجی بوده است.

تحت حکومت محمود عباس، جانشین عرفات و دست‌نشانده‌ی امپریالیسم آمریکا، تشکیلات خودگردان با اسرائیل و غرب برای نابودی رقیبش حماس همکاری کرده است. این همکاری‌ها شامل کودتایی نسبتاً موفق، با حمایت آمریکا، اسرائیل و اتحادیه‌ی اروپا برای تغییر نتایج انتخابات ۲۰۰۶ در نوار غزه بود که در آن حماس با کسب اکثریت در شوراهای شهری و اکثریت قاطع در شورای قانون‌گذاری فلسطین پیروزی غافلگیرکننده‌ای به‌دست آورد. عباس قدرت را در کرانه‌ی غربی قبضه کرد اما حماس توانست کنترل خود بر نوار غزه را با اعمال زور حفظ کند. محمود عباس که دوران ریاستش قانوناً در سال ۲۰۰۹ به پایان رسید، تمام نهادهای انتخابی را منحل و از آن زمان تا کنون با اراده‌ی مطلق خود حکومت می‌کند.

رهبری فتح در تشکیلات خودگردان فلسطینی همدست اسرائیل در مجازات جمعی مردم نوار غزه بوده است. «اسناد فلسطین» مجموعه‌ای از اسناد طبقه‌بندی‌شده‌ای است که در سال ۲۰۱۱ به شبکه‌ی خبری الجزیره درز کرد، نشان می‌دهد اسرائیل مقامات تشکیلات خودگردان را پیش از حمله به نوار غزه در سال ۲۰۰۸، که منجر به کشته شدن بیش از ۱۴۰۰ فلسطینی شد، مطلع کرده بود.

مقامات تشکیلات خودگردان در چندین مورد از اسرائیل خواستند حلقه‌ی محاصره بر نوار غزه را که بیش از ۲ میلیون فلسطینی در آن در فلاکت و گرسنگی زندگی می‌کنند، تنگ‌تر کنند. در پاسخ به افشای این موضوع، یکی از سخنگویان حماس گفت: «مردان فتح که تشکیلات خودگردان را شکل داده‌اند هیچ چیز جز خیانت به فلسطینیان را نمایندگی نمی‌کنند».

در حالی که سازمان آزادی‌بخش فلسطین (که در دهه‌ی ۱۹۶۰ از سوی جمال‌عبدالنصر رئیس‌جمهوری مصر برای به کنترل درآوردن کنش سیاسی فلسطینیان زیر پرچم اتحاد جهان عرب تأسیس شده بود) و فتح که پس از شکست اعراب در ۱۹۶۷ به جناح مسلط سازمان آزادی‌بخش تبدیل شد، نقش مسلط در مبارزات فلسطین را یافتند، سیاستی پیشه کردند که همواره مبتنی بر سازش طبقاتی و جایگزینی مبارزه‌ی مسلحانه با بسیج توده‌ای بود. نگاه فتح و سازمان آزادی‌بخش فلسطین به جای طبقه‌ی کارگر به‌عنوان نیروی برای مبارزات آزادی‌بخش فلسطین، به طبقات حاکم اعراب بود.

سازمان آزادی‌بخش فلسطین مقرر عملیاتی خود را در کشورهای عربی قرار داده بود که طبقه‌ی حاکم‌شان با ظرفیت‌های انقلابی مبارزه فلسطین دشمنی داشتند یا به آن مشکوک بودند. طبقات حاکم عرب به‌طور ویژه نگران تأثیر مبارزه‌ی انقلابی فلسطین بر کشورهای خود بودند. به همین دلیل این کشورها استراتژی را اتخاذ کردند که مدعی بود آزادی فلسطین نیازی به تغییر در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان عرب ندارد و خواسته‌های آن‌ها را به آنچه طبقات حاکم کشورهای عربی در نظر داشتند، محدود می‌کرد. دولت‌های مرتجع تولیدکننده‌ی نفت در خلیج فارس که نیازهای مالی سازمان آزادی‌بخش را تأمین می‌کردند، در کنار اردن که این سازمان تا سال ۱۹۷۰ در

آن‌جا بود، همچون رقیب خود، اسرائیل، بخشی از نظم منطقه‌ای بودند که غرب از آن حمایت می‌کرد.

طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، اسرائیل با استفاده از سیاست «عدم‌مداخله» کشورهای عربی، ضربات مهلکی را به سازمان آزادی‌بخش فلسطین وارد کرد در نتیجه فتح و این سازمان آرمان‌رهایی کل فلسطین را کنار گذاشته و خواسته‌ی خود را به یک دولت کوچک فلسطینی در مناطق اشغالی محدود کردند.

امروزه، دیواری امنیتی، و سیستمی از شبکه‌های جاده‌ای، ایست‌های بازرسی و بسیاری موانع دیگر که حرکت فلسطینیان را محدود می‌کند، شهرها و روستاهای کرانه‌ی غربی را به مجمع‌الجزایری ناپیوسته شبیه مراکز خودمختار دوران آپارتاید در آفریقای جنوبی **Bantustans** بدل کرده است.

این شرایط با شدت گرفتن خشونت شهرک‌نشینان و حملات ارتش در دولت راست افراطی نتانیاهاو ترکیب شده است. بر اساس آمار سازمان ملل، از ابتدای امسال ۲۱۸ فلسطینی در منطقه‌ی C از خانه‌های خود رانده شده و خانه‌هایشان تخریب شده است. منازل ۲۰۰ نفر دیگر هم در بیت‌المقدس شرقی تخریب شده است. تمام این رخدادها در حالی اتفاق افتاده که خشونت ارتش اسرائیل علیه فلسطینیان افزایش یافته است؛ بر اساس آمار دیده‌بان حقوق بشر ۳۴ جوان فلسطینی در ماه‌های اول سال ۲۰۲۳ در کرانه‌ی غربی به قتل رسیده‌اند.

جنگ اسرائیل علیه غزه این فرایند را تسریع کرده است. از آغاز این جنگ بیش از ۱۰۰ فلسطینی، عمدتاً در درگیری با ارتش اسرائیل در کرانه‌ی باختری به قتل رسیده‌اند. از ۷ اکتبر تا امروز در سلسله حملات ارتش اسرائیل همچون حمله به اردوگاه پناهندگان نورالشمس، ۱۳ فلسطینی شامل ۵ کودک زیر ۱۵ سال کشته شده و بیش از ۱۵۰۰ نفر بازداشت شده‌اند.

در سال‌های اخیر سازمان آزادی‌بخش فلسطین با مقاومت کارکنان بخش عمومی به‌ویژه معلمان بر سر دستمزدها روبه‌رو بوده است. در طول سال تحصیلی گذشته معلمان پس از ۵۷ روز اعتصاب در نهایت با محمد شایسته، وزیر آموزش تشکیلات خودگردان برای افزایش ۱۵ درصدی دستمزدها و تأسیس نهاد دموکراتیک و مستقل خود به توافق رسیدند. هیچ کدام از این موارد هنوز در عمل به اجرا در نیامده است. اعتراضات معلمان

فلسطینی از سال ۲۰۱۶ تا امروز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر شناخته می‌شود. در حال حاضر ۵۷ هزار معلم در بخش عمومی فلسطین مشغول به کار هستند.

این اعتصاب‌ها در حالی اتفاق می‌افتد که اقدامات تنبیهی اسرائیل علیه تشکیلات خودگردان نقش پررنگی در بحران اقتصادی فلسطین دارد. یکی از اصلی‌ترین این اقدامات تنبیهی قانون مصوب سال ۲۰۱۸ است که بر اساس آن اسرائیل نیم‌میلیون شکل، معادل ۱۴۰ میلیون دلار، از منابع مالی را که باید بر اساس توافق اسلو از طریق منابع مالی به تشکیلات خودگردان بدهد، متوقف کرده است. اسرائیل دلیل تصویب این قانون را حمایت مالی تشکیلات خودگردان از خانواده‌هایی اعلام کرده که عضوی از آنان در زندان اسرائیل به‌سر می‌برند. در میان اقدامات تنبیهی که دولت راست افراطی اسرائیل علیه فلسطینیان اتخاذ کرده آن است که در ماه‌های ابتدایی امسال، نتانیاو ۵۰ میلیون شکل معادل ۱۴ میلیون دلار از منابع مالیاتی را که برای تشکیلات خودگردان اخذ می‌شود، کسر کرد.

جنگ اسرائیل در غزه بحران مشروعیت تشکیلات خودگردان را تشدید کرده است. پس از حمله‌ی اسرائیل به بیمارستان الاهلی در غزه، تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای تحت کنترل تشکیلات خودگردان از جمله نابلس، طوباس و جنین، آغاز شد. جنین شهری در شمال این مناطق است که در ماه‌های ابتدایی امسال شاهد عملیات گسترده‌ی نظامی اسرائیل بود. در رام‌الله، مرکز اداری تشکیلات خودگردان، مردم در میدان مناره با سنگ به خودروهای پلیس حمله کرده و شعار بهار عربی را تکرار کردند: مردم خواهان براندازی نظام هستند.

در پاسخ به این اعتراض‌ها تشکیلات خودگردان نیروهای امنیتی تحت امر خود را بسیج کرد و با گلوله‌های پلاستیکی، گاز اشک‌آور، نارنجک صوتی و حتی مهمات جنگی به معترضان پاسخ گفت. در جنین یک دختر ۱۲ ساله در اثر اصابت گلوله‌ی جنگی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان کشته شد.

هر مقابله‌ی جدی با آپارتاید اسرائیل در کرانه‌ی غرب مستلزم مبارزه و در نهایت سرنگونی تشکیلات خودگردان است. این به معنای شکست دادن هم‌دستی طبقاتی سازمان آزادی‌بخش با اسرائیل است که مقاومت فلسطینیان را به فلاکت کشانده است.

پیوند با منبع اصلی:

<https://redflag.org.au/article/palestinian-authority-complicit-occupied-west-bank>